

۱۷۱۶

وقت نماز صبح 'به قرآن الفجر' تعبیر شده است.

در آیه دیگری فرمود: فاصبر علی ما یقولون و سبیح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من آتاه اللیل فسیح و اطراف النهار لعنک ترضی؛ (۳) پس در برابر آن چه می‌گویند صبر کن، و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن، تسبیح و حمد پروردگارت بجا آور و همچنین برخی از ساعات شب و اطراف روز پروردگارت را تسبیح گوی، باشد که از الطاف الهی خوشنود شوی.

در این آیه نیز عبادت پیش از طلوع آفتاب با نماز صبح و قبل از غروب با نماز عصر و باعث ساعت شب به نماز مغرب و عشاء و اطراف روز با نماز ظهر تطبیق شده است.

در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره روم نیز فرمود: فسبحان الله حین تسمون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون؛ (۴) منزّه است خداوند به هنگامی که شام می‌کنید و صبح می‌کنید و حمد و سپاس مخصوص اوست در آسمان و زمین و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می‌کنید.

در این آیه عبارت (حین تسمون) ناظر به شامگاه است و به نماز مغرب و عشاء اشعار دارد که در شب خوانده می‌شود و (حین تصبحون) به بامداد و نماز صبح نظر دارد و عبارت (وعشیا) که در برابر بامداد و شامگاه آمده است، نزدیک غروب یعنی هنگام نماز عصر است و (حین تظهرون) ناظر به زمان زوال آفتاب و نماز ظهر است.

■ لزوم حفظ اصل نماز و کمیت آن احکام الهی حدود الهی هستند که مؤمنان عهده دار حفظ آن احکام و حدود می‌باشند، خدای متعال در وصف مؤمنان فرموده است: و الحافظون لحدود الله؛ (۵) یکی از اوصاف مؤمنان حفظ حدود الهی است و اگر انسانی از حدود الهی تجاوز کند ستمکار معرفی شده است. و من یتعد حدود الله فاولئک هم الظالمون؛ (۶) هر که از حدود الهی تجاوز کند آنان ستمگرانند.

آیه الله چوای اعلی

حجة الاشارة الشمسین
و کتوبین
و انما یظن ان

■ نمازهای پنج‌گانه در قرآن کریم از آیات قرآن استفاده می‌شود که آدمی در پنج نوبت با خدا ارتباط برقرار کرده و با این ارتباط اظهار سپاس نموده و با او به نیایش و گفتگو پردازد. اقم الصلوة لدلوك الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر، ان قرآن الفجر کان مشهوراً؛ (۷) نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را چرا که قرآن فجر مشهور (فرشتگان شب و روز) است.

در این آیه به پنج وقت نماز یاد شده است به چهار وقت ظهر، عصر، مغرب، و عشاء که از هنگام گذشتن خورشید از دایره نصف النهار تا تاریکی شب است یعنی از نیمه روز تا نیمه شب اشاره شده است و از

خدای سبحان چنان چه انسان را آفرید، تمام نیازهای مادی و معنوی او را نیز خلق کرده و در اختیار او نهاد. تا وی از آن نعمت در جهت رشد و تعالی خود بهره‌برداری نماید و موانع رشد را برکناری نهد و در نتیجه به سعادت مادی و معنوی نایل آید.

از سوی انسان‌ها نیز در برابر خدای متعال وظیفه شکر نعمت و سپاسگزاری را به عهده دارند و این سپاسگزاری در قالب عبادت الهی تحقق پیدا می‌کند. یکی از عبادت‌هایی که به عنوان شکر نعمت‌های الهی از انسان خواسته شده است اقامه نماز و مداومت بر آن است از این رو یکی از برنامه‌های مؤمنان اقامه نماز در برابر خدای متعال است که در طول شبانه روز در پنج نوبت باید آن را به جای آورد.

نماز ستون دین

حدود الهی همان معارف اعتقادی و اصول اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی است.

علت این که حدود الهی شامل معارف اعتقادی و اصول اخلاقی و احکام فقهی است، آن است که صرف بیان احکام فقهی در این حد که کلام کار واجب است و کلام کار حرام، ضمانت اجرایی ندارد ولی اگر در کنار بیان حلال و حرام مسائل اخلاقی و حقوقی و معارف الهی بازگو شود، احکام فقهی ضمانت اجرا پیدا می‌کند. بنابراین قرآن کریم افزون بر این که به صورت جزئی به اتیان یا ترک حدود الهی فرمان داده است به شکل کلی نیز درباره مراعات نکردن آن هشدار داده است. و فرموده از حدود الهی تعنی نکنید زیرا تجاوز از احکام فقهی و اصول اخلاقی و معارف الهی انسان را در ردیف ظالمان قرار می‌دهد و انسانی که در ردیف ظالمان باشد از هدایت ویژه الهی که همانا رساندن به مقصد است نه اصل راهنمایی، محروم می‌سازد. **وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ** (انخدای سبحان قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند). ناگفته خدای سبحان راه صحیح را همراه به همگان نشان می‌دهد و آنان را هدایت می‌کند اما از هدایت ویژه که پاداش پذیرش هدایت الهی است محروم می‌سازد همانطور که مؤمنان عهده دار حفظ حدود الهی هستند و نماز نیز یکی از حدود الهی و دارای احکام و حدودی است که نمازگزار باید علاوه بر حفظ اصل نماز، حدود آن را رعایت کند از این رو در قرآن فرمود: **حَافِظُوا عَلٰی الصَّلٰوٰتِ وَ الصَّلٰوَةُ الْوَسْطٰی وَ قَوْمًا لِلّٰهِ قٰنِتِیْنَ** (۱) در انجام همه نمازها (به خصوص) نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت برای خدا بسپارید، در سوره مؤمنون نیز فرمود: **وَالَّذِیْنَ هُمْ عَلٰی صَلٰوٰتِهِمْ یَحَافِظُوْنَ** (۲) مؤمنان بر نماز شان محافظت می‌کنند. مسلمانان باید نمازهای پنج گانه به ویژه نماز ظهر را از نظر کمی و کیفی پاس بدارند تا از آثار و برکات فراوان این فریضه الهی برخوردار شوند.

در مرحله حدوث باید نماز را با ادب و شرایط آن انجام داد و در مرحله بقاء نیز باید آن را حفظ کرد و باید از اعمالی که به

اخلاص نماز آسیب می‌رساند، پرهیز کرد. همان گونه که نمازگزار نماز را پاس می‌دارد، نماز نیز مظهر حفظ خدای حقیقت است و انسان را از زشتی‌ها و شهوات حفظ می‌کند.

■ اقامه نماز نه خواندن نماز

این که خدای سبحان از انسان‌ها خواسته است تا نماز را اقامه کنند و نه تنها نماز بخوانند، برای آن است که وظیفه مؤمنان برپاداشتن حقیقت نماز است. بر پا داشتن حقیقت و روح نماز به این است که آدمی افزون بر تلفظ اذکار نماز و کلمات ذکر رکوع و سجود و تشهد و مانند آن و صرفنظر از هیئت‌های خاص قیام و انحنای تام و کامل و غیر کامل (رکوع) و نشستن و نظیر آن و قطع نظر از تصویر مفاهیم اذکار آن در ذهن، پیام‌های اصلی آن از وجود لفظی و ذهنی بیرون آید و به وجود عینی و خارجی برسد و در محدوده روح نمازگزار متمثل گردد و سپس با سیرت و سنت و روش مستمر او در جامعه جلوه کند و با تبلیغ و تعلیم و تزکیه نفوس مستعد و آماده دیگران، آن‌ها نیز با روح متمثل نماز پرورش یابند.

■ تناسب عمود دین بودن نماز با اقامه

در روایات از نماز به عنوان ستون و عمود دین یاد کرده است، به کار بردن اقامه و برپاداشتن، با ستون بودن نماز هماهنگ است زیرا عمود را به پا می‌دارند نه این که بخوانند. چون ستون با اقامه می‌تواند خیمه را حفظ کند، وقتی احداث نماز با اقامه است نه قرائت، حفظ آن نیز به تقویم خواهد بود نه تلاوت. زیرا قرائت نماز اولین مرحله وجوب آن است که در تمام مراتب محفوظ است و پشتوانه این تلاوت معرفت و حضور قلب و عمل به مقتضای آن خواهد بود.

■ اقامه نماز از حساس‌ترین وظایف حاکمان اسلامی

قرآن کریم نماز را یکی از حساس‌ترین وظائف حاکم اسلامی قرار داده است **الَّذِیْنَ اِنْ مَكَانَهُمْ فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوَةَ** (۱)

همان کسانی که در زمین اگر به آنها قدرتی بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند.

زیرا مهم‌ترین عامل تعدیل خواسته‌های سیاسی احزاب و گروه‌ها همانا نماز است یعنی کسی که بر اثر اعتماد مردم به مقامی می‌رسد، از آسیب مانع خیر شدن بپرهیزد. و به عبارت دیگر: جامعه نمازگزار و حکومت حامی نماز، از گزند حرص و آز مصون و به حیات طیب قناعت می‌رسد.

حاکمان مسلمان پس از پیروزی همچون خودکامگان و جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی‌پردازند و در غرور و مستی فرو نمی‌روند بلکه موقعیت‌ها و پیروزی را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند. آن‌ها نماز را بر پا می‌دارند و با این کار هم خود را حفظ می‌کنند و هم زمینه حفظ جامعه را فراهم می‌کنند همانطور که حاکم عادل مسلمان نماز را اقامه می‌کند و با اقامه نماز زمینه رشد جامعه را فراهم می‌کند افراد ناصالحی نیز هستند که وقتی روی بیایند نماز را تباه کرده و گرفتار شهوات می‌شوند، چنان که فرمود: **فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِ هُمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلٰوَةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوٰتِ فَسُوفَ یَلْقَوْنَ عَذَابًا** (۱) بعد از آن فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند که به زودی مجازات گمراهی خود را خواهند یافت.

در این آیه از کسانی یاد می‌کند که با ترک نماز یا تأخیر از وقت آن و یا انجام دادن اعمالی که نماز را تباه می‌کند، نماز را تباه ساختند و پیروی از شهوات را بر یاد خدا ترجیح دادند و جامعه را گرفتار فساد ساختند که در قیامت گرفتار عذاب خواهند شد.

■ محافظت نماز از انسان

نمازگزار نماز را پاس می‌دارد و نماز نیز وظیفه حفظ نمازگزار را بر عهده دارد نماز انسان را از فحشاء و بدیها باز می‌دارد. البته مراقبت و استمرار حفظ نماز سبب پیدایش ملکه‌ای نفسانی در جان نمازگزار است و ملکه نفسانی ارزشمند نیز مراقب صاحب خود هستند از این رو قرآن فرمود: **اقِمِ الصَّلٰوَةَ اِنَّ الصَّلٰوَةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْكَرِ** (۱) نماز را به پا دار که نماز انسان را

از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد.^۱
این که نماز انسان را از فحشاء و منکرات باز می‌دارد برای این است که اولاً روح و اساس و پایه، یاد خداست که این یاد خدا خود مقدمه فکر و انگیزه عمل خواهد بود و یاد خدا باعث ترک گناهان خواهد بود و ثانیاً نماز وسیله شستشوی از گناهان و آمرزش الهی است چرا که نماز انسان را به توبه و اصلاح گذشته و می‌دارد و ثالثاً این عبادت سرّی در برابر گناهان آینده است زیرا نماز روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند و نهال تقوا را در دل پرورش می‌دهد و رابعاً: از آن جایی که مهمترین عامل گناهان غرق شدن در لذائذ مادی است و فرو رفتن در لذائذ مادی سبب غفلت از خدا است، اقامه نماز در طول شبانه روز پیوسته انسان را به یاد خدا و می‌دارد و با این ارتباط پیوسته به او اعلام بیدار باش می‌دهد و در نتیجه با غفلت که سرچشمه گناهان است مبارزه می‌کند و خامساً: با توجه به این که یکی از عوامل گناهان کبر و غرور و خود بینی است انسان نمازگزار با رکوع و سجده به این سرچشمه به جدال بر می‌خیزد و با او جهاد می‌کند. بنابراین اقامه نماز سرچشمه رذایل را در انسان سدّ می‌کند و انسانی که گرفتار غفلت و خود بینی و دیگر موارد نباشد از فحشاء و منکرات محفوظ خواهد ماند.

■ نماز چشمه‌ای پاک و پاک‌کننده
حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در خطبه‌ای پیوسته اصحاب و یاران خود را به اموری سفارش می‌کرد که یکی از آن‌ها نماز است و در آن به اهمیت نماز اشاره کرده و آن را وسیله نجات در آخرت و سبب پاکی در دنیا و شستشوی جان و دل از رذائل اخلاقی می‌شمرد. در این خطبه می‌فرماید: برنامه نماز را به خوبی مراقبت کنید و بر محافظت آن بکوشید، بسیار نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوید. زیرا نماز بر همه مؤمنان در اوقات مخصوص واجب است.

ایا پاسخ دوزخیان را در برابر این سؤال که چه چیز شما را به دوزخ کشانید؟ نمی‌شنوید که می‌گویند ما از نمازگزاران نبودیم، آری نماز گناهان را فرو می‌ریزد همچون فرو ریختن برگ از درختان و طناب‌های معاصی را از گردن

می‌کشاید، پیامبر اکرم(ص) نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه نمود که بر در خانه انسان باشد و او هر شبانه روز پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد که بی شک چرک و آلودگی در بدنش باقی نخواهد ماند.

آن گروه از مؤمنان که زیست متاع دنیا و فرزندان و اموالی که مایه چشم روشنی است آنان را به خود مشغول نداشتند، حق نماز را خوب شناخته‌اند، خدای متعال در حق آنان فرمود: آن‌ها مردانی هستند که تجارت و بیع آنان را از یاد خدا و پر پاداشتن نماز و پرداختن زکات باز نمی‌دارد و رسول خدا بعد از بشارت به بهشت، خویش را برای نماز به تعب و مشقت می‌انداخت. زیرا خدای متعال به او فرموده بود، خانواده خویش را به نماز دعوت کن و در برابر آن شکبیا باش، آن حضرت پی در پی اهل بیت خود را به نماز دعوت می‌کرد و خود را بر آن وادار می‌فرمود و بر آن شکبیایی می‌نمود.^(۱۲)

در این خطبه امام علی(ع) به هفت دلیل از دلایل اهمیت نماز اشاره کردند و آثار مهم معنوی و تربیتی نماز و عاقبت شوم تارکان و سبک شمرندگان آن را بر شمردند.
حضرت در قسمت نخست از مراقبت و محافظت و فراوانی وسیله و تقرب به خدا بودن آن سخن گفته‌اند و سپس فرموده‌اند:
۱- نماز به عنوان یک فریضه بر مؤمنان مقرر شده است.

۲- دلیل دوزخی شدن جهنمیان را از زبان خودشان اهل نماز نبودن می‌داند.

۳- نماز گناهان را مانند برگ درختان می‌ریزند و باعث آمرزش گناهان گذشته می‌شود زیرا نماز عامل توبه و انابه می‌گردد.

۴- نماز طناب معاصی را از گردن می‌کشاید و او را آزاد می‌سازد و از ابتلاء به گناهان در آینده حفظ می‌کند.

۵- از بیان پیامبر اکرم(ص) استفاده می‌کند که نماز باعث شستشوی همیشگی روح انسانی می‌گردد.

۶- کسانی که حق نماز را بشناسند این نماز انسان را از لذائذ زودگذر دنیا باز می‌دارد و نمی‌گذارد زرق و برق دنیا، وی را مشغول سازد.

۷- به لحاظ این که مسلمانان باید پیامبر را اسوه و الگوی خود قرار دهند فرمود: آن حضرت پس از امر به نماز خود را برای انجام

آن به زحمت می‌انداخت و خانواده خودش را به آن دعوت می‌کرد و در انجام آن شکبیا بود زیرا نماز کلید راهیابی انسان به بهشت است.

■ تمثّل نماز

نماز مناجات میان عبد و مولاست چنان که رسول اکرم(ص) فرمود: نمازگزار با پروردگارش مناجات می‌کند. المصلی یناجی ربه^(۱۳)

نماز حقیقتی دارد که برای انسانی که آن را با شرائط در اول وقت به جا آورده است دعا می‌کند که خدا او را حفظ کند و نیز در حق کسی که آن را بدون شرائط و یا عجله و بدون حضور قلب انجام داده است نفرین می‌کند خدا او را تباه سازد، امام صادق(ع) فرمود: "ان العبد اذا صلی الصلاة فی وقتها و حافظ علیها ارتفعت بیضاء نقیة تقول حفظتی حفظک الله و اذا لم یصلها لوقتها و لم یحافظ علیها ارتفعت سوداء مظلمة تقول ضیعتنی ضیعک الله؛^(۱۴) عابد هنگامی که نماز را در وقتش بخواند و بر آن محافظت داشته باشد نور روشنی از آن بالا می‌رود و می‌گوید: خدایا نمازگزار مرا حفظ کرده است، تو نیز او را حفظ کن و هنگامی که نماز را در وقتش بجا نیاورد و بر آن محافظت نداشته باشد سیاهی تاریکی بالا می‌رود و می‌گوید چون مرا تباه ساختی خدا تو را تباه سازد."

پیامبر اکرم(ص) فرمود: لایسزیل الشیطان ذعراً من المؤمن، ما حافظ علی الصلوات الخمس فاذا ضیعهن تجراً علیه فادخله فی العظام؛^(۱۵) پیوسته شیطان از مؤمنی که بر نمازهای پنجگانه محافظت می‌کند در هراس است اما وقتی که او نماز را تباه سازد شیطان بر او جرأت می‌کند و او را در حوادث بزرگ وارد می‌سازد.

هنگام قبض روح و انتقال از دنیا به برزخ که حالت بسیار دشواری است، شاید انسان طاقت نیاورد و دین خود را با دسیسه و وسوسه شیطان از دست دهد مگر آن که از نماز محافظت کرده باشد.

■ سؤال از نماز در قیامت

از رسول اکرم(ص) نقل شده است که در

قیامت نخست از نماز پرسیده می‌شود: 'اذا كان يوم القيامة يدعى بالعبد فاؤل شىء يسأل عنه الصلاة فان جاء بها تامّة و الأزج به فى النار؛ (۱۶) و قتی روز قیامت برپا شود انسان را می‌خوانند و اول چیزی که از او می‌پرسند، نماز است؛ اگر آن را کامل انجام داده باشد که مشکلی نخواهد داشت، اما اگر به صورت کامل انجام نداده باشد به آتش انداخته خواهد شد.

در قرآن تیز می‌فرماید: وقتی از محکومان جهنمی سؤال می‌کنند که چرا به این سرنوشت شوم دچار شده‌اند می‌گویند: 'لم نک مع الصلین؛ (۱۷) ما از نمازگزاران نبودیم.

راز و نیاز یا پروردگار می‌شوند که بر تمام ذرات وجودشان اثر می‌گذارد و خود را ذره‌ای می‌بیند در برابر وجودی بی‌پایان و مانند قطره‌ای می‌داند که در اقیانوس بیکرانی قرار گرفته است.

در حدیثی وارد شده است که پیامبر(ص) مردی را دید که بارش خود در حال نماز بازی می‌کند به او فرمود: 'اما انه لو خشع قلبه لخشعت جوارحه؛ (۱۸) اگر او قلبش خاشع بود اعضای بدن او نیز خاشع بود. یعنی خشوع حالت درونی است که در ظاهر انسان نیز ظاهر می‌شود.



■ پرسش و پاسخ

■ حال که سخن از خشوع مؤمن در نماز به میان آمد پرسشی مطرح می‌شود و آن این است که چه کنیم تا توفیق خشوع در نماز برای انسان پیدا شود؟

پاسخ آن این است که انسان باید برای تحصیل خشوع به عوامل ذیل توجه کند.

الف: شناخت خدا و انسان و دنیا

در مرحله اول آدمی باید خدا را با عظمت و جلال و جمالش بشناسد و بداند او غنی محض و دارای اسماء حسناست و دنیا میدان گذرانی است که آدمی چند صباحی باید در آن زندگی کند و از آن بگذرد و خود انسان فقیر و نیازمند محض است که در برابر آن موجود با عظمت قرار گرفته است و قتی انسان این معرفت را بدست آورد دنیا در نظر او کوچک و خدا در نظر او بزرگ و خود را موجود نیازمند یافت به طور طبیعی و قتی در برابر خدای با عظمت قرار گرفت و با او به راز و نیاز مشغول شد، همه توجه او متوجه معبود او شده و از هرچه غیر خدا باشد منصرف می‌کند.

■ خشوع روح نماز

در قرآن وقتی ویژگی‌های مؤمنان را بیان می‌کند از جمله آن‌ها را خشوع در نماز می‌داند و می‌فرماید: 'الذین هم فی صلاتهم خاشعون؛ (۱۹) مؤمنان کسانی هستند که در نمازشان خاشعند.

خشوع به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد.

در آیه فوق خشوع در نماز را از ویژگی‌های مؤمن می‌شمارد زیرا نماز تنها الفاظ و حرکاتی بی روح نیست بلکه در حالت نماز آن چنان حالت توجه به پروردگار در نمازگزار پیدا می‌شود و با او پیوند برقرار می‌کند و چنان غرق حالت تفکر و حضور و

ب: کم کردن کارهای پراکنده

انسان در حین نماز باید تمرکز حواس داشته و تمام توجهش را به خدا گرداند از این رو آدمی باید از کارهای پراکنده و مشغله‌های مشوش کننده ذهن و فکر و آن چه که باعث توهم و خیالات می‌شود پرهیز نماید تا توفیق یابد در نماز حالت حضور قلب پیدا کند.

ج: انتخاب محل مناسب

آدمی باید محلی برای نماز انتخاب کند که از اموری که باعث مشغول کردن او می‌شود به دور باشد از باب مثال، محل عبور و مرور مردم نباشد در محیط با سر و صدا نباشد در برابر عکس و یا مانند آن نباشد و بالأخره هرچه ذهن و جوارح انسان را مشغول می‌سازد از آن به دور باشد تا حضور قلب را بدست آورد.

د: پرهیز از گناهان

یکی از اموری که قلب را از خدا دور می‌سازد و از حضور قلب می‌کاهد گناهان است. انسان با ترک گناهان زمینه را برای حضور قلب خود فراهم سازد.

هـ: انجام مستحبات و آداب مخصوص نماز انسان در مقدمات و مقارنات نماز مستحباتی را رعایت کند از باب مثال دعاهایی که قبل از ورود به نماز است آن را بخواند.

و: آشنایی با حقیقت نماز و روح آن و همچنین توجه به معانی الفاظ و اذکاری که در نماز به زبان می‌آورد.

ز: ناگفته نماند همه امور فوق در صورتی زمینه توفیق نماز با خشوع را فراهم می‌کند که انسان با مراقبت و تمرین و استمرار آن زمینه را برای تمرکز فکر پیدا کند و تمام پنجره‌های فکر خود را بر غیر معبود، سد نماید.

■ راه فعلیت یافتن استعداد های انسانی

هر کس بخواهد خود را بشناسد معیار شناسایی او کارهایی است که در هر موقعیتی از او سر می‌زند و حاکی از زیربنای روانی اوست زیرا اگر این طور نباشد بجای آوردن کارهایی صرفاً تشریفاتی و خالی از روح و گفتن کلماتی بدون توجه کافی به

معنای آنها و بعد هم دل خوش داشتن به آنها سزاوار مؤمن واقعی نخواهد بود. از این رو در قرآن مؤمنان را به اموری فراخوانده است و در نهایت فرمود نماز را اقامه کنید در این آیات خطاب به مؤمنان فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَيُجِيبُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ؛ (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید و سجود بجا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید او شما را برگزید و در دین کار سنگینی بر شما نگذارد، این همان آنین پدر شما ابراهیم است او شما را در کتب پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید تا پیامبر گواه و شاهد بر شما باشد و شما گواهان مردم. بنابراین نماز را بپادارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک جوئید که او مولا و سرپرست شماست چه مولای خوب و چه یار و یاور شایسته‌ای. در آیات خطاب به مؤمنان نخست آنها را به پنج دستور فرمان داده است تا با آن زمینه رسیدن به فلاح و رستگاری فراهم شود و آنها عبارتند از:

۱- تنها در برابر پروردگارتان سر فرود آورید و جز در برابر او برای هیچ کسی به رکوع و تعظیم نپردازید، زیرا کسی جز او شایسته تعظیم و سر فرود آوردن نیست.

۲- به خاک افتادن و تواضع فقط در برابر بی‌نیاز مطلق که برآورنده نیازهای تمام نیازمندان است شایسته است، یعنی در حال سجده که متواضعانه‌ترین حالات یک انسان است آدمی پیشانی خود را بر خاک می‌نهد و با معبود خود به راز و نیاز می‌پردازد و با این حال نشان می‌دهد که از هرگونه خودخواهی و خودبینی، خود را رها کرده است و با گفتن سبحان ربی الاعلی و بحمد این حالت را از خود آشکار می‌سازد.

۳- این انسان تنها به عبادت او

می‌پردازد و تنها او را پروردگار خود می‌داند و همه کارها را از جنبه عبادت و پرستش عملی خدا انجام می‌دهد و به عبارت دیگر: این انسان چون خدا را مالک و صاحب و تربیت کننده خود می‌داند همه کارها را برای او و بر اساس فرمان او انجام می‌دهد.

۴- انسان مؤمن فقط کار خیر انجام می‌دهد یعنی در هر موقعیتی که باشد فقط کار خیر از او سر می‌زند.

۵- در راه خدا از هر نوع کوشش و جهاد و تلاش برای انجام نیکی‌ها و مبارزه با هوس سرکش و پیکار با دشمنان ستمگر و بالأخره در جهاد اکبر و اصغر فرو گذار نمی‌کند.

در بخش دوم مؤمنان را متوجه می‌کند که این دستورات پنج گانه سنگین نیست بلکه این دستورات نشانه لطف خدا به آن هاست برای بیان این مقصود دلایلی را ذکر می‌کند و می‌فرماید:

۱- شما برگزیدگان خدا هستید و اگر برگزیده او نبودید این مسؤولیت‌ها بر دوش شما گزارده نمی‌شد.

۲- خدای سبحان کار سنگین و مشقت زا را در دین قرار نداده است زیرا احکام دین همگی با فطرت انسان هماهنگ است و هر کدام از احکام وسیله تکامل انسان و مطابق با مصالح واقعی آدمی است و آدمی اگر این حقیقت را بیابد همه احکام الهی را با توجه به هماهنگی با مصالح واقعی خود با رضایت استقبال می‌کند و با لذت و گوارایی آنها را انجام دهد.

۳- این دستورات را آیین حضرت ابراهیم می‌داند که این آیین را باید بزرگ شمرد و آن را انجام داد و لازمه پیروی از آیین ابراهیمی تسلیم بودن در برابر خدای سبحان است.

۴- با توجه به این که دستورات متوجه پیامبر اکرم (ص) و امت اوست برای تشویق مؤمنان می‌فرماید: هدف از این برنامه این بود که پیامبر الگو و اسوه شما باشد و شما هم اسوه و الگوی امت‌های دیگر باشید.

در قسمت سوم این آیات وظایف پنجگانه پیشین را خلاصه کرده و می‌فرماید: با توجه به این که شما مؤمنان دارای امتیازات و افتخاراتی هستید پس نماز را بپادارید و زکات را ادا کنید و به خدا تمسک

جوئید زیرا خدای سبحان یار و یاور و سرپرست شماست.

و خدا برترین و بهترین مولی و شایسته‌ترین یار و یاور است. و چون خدا مولای آدمیان است پس آدمیان شایسته است عبد و بنده او باشند و ظهور عبودیت را با اقامه نماز به انجام رسانند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله از نماز به عنوان ستون برپایه دین سخن به میان آمد و به مطالب زیر پرداخته شد.

۱- قرآن مؤمنان را به نمازهای پنجگانه و چگونگی آن فرا می‌خواند.

۲- مؤمنان باید بر اصل نماز و کمیت و کیفیت آن محافظت کنند و حدود آن را رعایت نمایند و در واقع باید نماز را اقامه کنند و نه تنها بخوانند.

۳- همانطور که مؤمنان باید نماز را حفظ کنند نماز نیز از آنان حفاظت می‌کند.

۴- نماز چشمه‌ای پاک و پاک کننده معرفی شده است.

۵- نماز برای مؤمن در برزخ و قیامت متمثل می‌شود.

۶- از خشوع به عنوان روح نماز یاد شده است.

و در پایان چگونگی فعلیت یافتن استعداد انسان مؤمن در پرتو نماز بیان گردید.



پی نوشت‌ها:

۱. سوره اسراء، آیه ۷۸.
۲. سوره طه، آیه ۱۳۰.
۳. سوره روم، آیات ۱۷-۱۸.
۴. سوره توبه، آیه ۱۱۲.
۵. سوره بقره، آیه ۲۲۹.
۶. سوره آل عمران، آیه ۸۶.
۷. سوره بقره، آیه ۲۲۶.
۸. سوره مؤمن، آیه ۹.
۹. سوره حج، آیه ۲۱.
۱۰. سوره مريم، آیه ۵۹.
۱۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
۱۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.
۱۳. بهار الاحرار، ج ۸ ص ۲۱۶.
۱۴. همان، ج ۸ ص ۹.
۱۵. الکافی، ج ۳ ص ۲۶۹.
۱۶. مبین اخبار الرضا، ج ۲ ص ۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۳۰.
۱۷. سوره مدثر، آیه ۲۳.
۱۸. سوره مؤمن، آیه ۲.
۱۹. تفسیر صافی، ذیل آیه.
۲۰. سوره حج، آیات ۲۷-۲۸.